

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Judicial Immunity of Defense Attorneys in International Instruments and the Legal-Judicial System of Iran

Kamal Raouf ¹, Alireza Shamshiri ^{*2}, Bakhtiar Abbaslou³

1. Department of Private Law, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Law, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Department of Law, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* Corresponding Author's Email: dr.a.shamshiri@iau.ac.ir

ABSTRACT

The right to legal representation, as enshrined in Article 35 of the Constitution, affirms that in all courts of law, the parties involved have the right to select an attorney for themselves, and if they are unable to do so, facilities must be provided to ensure legal representation. This provision aligns with the principles established in international legal instruments. However, the realization of this right is not feasible without safeguarding the professional position of the defense attorney. Although Iranian legislation does not explicitly employ the legal term "judicial immunity of the attorney," the underlying meaning and implications are implicitly present, and any violation thereof by official authorities is classified as misconduct and criminalized. Despite Iran's accession to conventions and treaties that encompass judicial or defense immunity—and their ratification by legislative bodies both before and after the Islamic Revolution—a clear and defined concept of this principle has yet to be established in the Iranian legal and judicial system. Furthermore, its boundaries and limitations remain undefined. This study aims to examine the attorney's immunity in international legal instruments and compare and align it with the framework of Iran's legal and judicial system.

Keywords: *Judicial immunity, attorney immunity, defense immunity, attorney independence, relative immunity, absolute immunity.*

How to cite: Raouf, K., Shamshiri, A., Abbaslou, B. (2023). Judicial Immunity of Defense Attorneys in International Instruments and the Legal-Judicial System of Iran. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 1(4), 74-94.



تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۹/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲

تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

مصونیت قضایی وکیل دادگستری در اسناد بین الملل و نظام حقوقی و قضائی ایران

کمال رئوف^۱، علیرضا شمشیری^۲، بختیار عباسلو^۳

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: dr.a.shamshiri@iau.ac.ir

چکیده

حق برخورداری از وکیل در اصل ۳۵ قانون اساسی، که طبق آن در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد، منطبق با اصول مطرح شده در اسناد بین الملل است، اما تحقق آن بدون حمایت از جایگاه وکیل مدافع امکانپذیر نخواهد بود. اگرچه قانونگذار ایرانی از واژه حقوقی مصونیت قضایی وکیل در قوانین و مقررات استفاده ننموده، اما منطق و مفهوم آنرا دربر داشته و تخطی از آن توسط مقامات رسمی، تخلف و جرم انگاری شده است. علیرغم عضویت ایران در کنوانسیون و معاهدات دربردارنده مصونیت قضایی یا دفاعی و تصویب آن‌ها توسط مجالس قانونگذاری قبل و بعد از انقلاب اسلامی، هنوز مفهوم روشنی از آن در نظام حقوقی و قضایی ایران صورت نپذیرفته و حدود و ثغور آن نیز مشخص نیست. این پژوهش سعی نموده با بررسی مصونیت وکیل در اسناد بین الملل به مقایسه و تطبیق آن با نظام حقوق و قضائی ایران بپردازد.

کلیدواژگان: مصونیت قضائی، مصونیت وکیل، مصونیت دفاعی، استقلال وکیل، مصونیت نسبی و مطلق.

نحوه استناددهی: رئوف، کمال، شمشیری، علیرضا، عباسلو، بختیار. (۱۴۰۲). مصونیت قضایی وکیل دادگستری در اسناد بین الملل و نظام حقوقی و قضائی ایران. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۱(۴)، ۷۴-۹۴.



مقدمه

مهمترین رکن دادرسی عادلانه که در اسناد بین الملل به آن تاکید شده، آزادی و استقلال وکیل در دفاع از حقوق افراد است. بیشتر نظام‌های حقوقی نیز مصونیت قضایی وکیل در دفاع را به رسمیت می‌شناسند. چون هرکسی قادر به دفاع از خود و اقامه دعوی در دادگاه نیست، حق انتخاب وکیل از شرایط احترام به حق دادخواهی در میثاقین مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورد تاکید واقع شده است (Amid Zanjani, 2009). مثلاً برابر بند (د) ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی سیاسی هرکسی حق دارد شخصاً یا بواسطه وکیل مدافع، از خود دفاع نموده و چنانچه وکیل نداشته باشد، حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود و در صورت عجز از پرداخت حق الوکاله در مواردی که مصالح دادگستری اقتضاء نماید، دادگاه رأساً برای او وکیل تعیین نماید که هزینه‌ای نخواهد داشت. اما مخالفین مصونیت قضایی وکیل، آنرا مغایر با اصل تساوی همه در برابر قانون و حق دادخواهی می‌دانند. درحقوق ایران در مواد ۱۷ و ۲۰ لایحه استقلال قانون وکلاء مصوب ۱۳۳۳ و پس از انقلاب اسلامی با تصویب اصل ۳۵ قانون اساسی و ماده واحده نحوه انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، مصونیت قضایی وکیل به رسمیت شناخته شده و عدم رعایت آن توسط مامورین و مقامات رسمی مستوجب مجازات است.

مفهوم مصونیت قضایی

مصونیت به معنی در امان و مصون بودن از تعرض است. مصون بودن از تعرض یعنی اینکه افراد، هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادیهای مشروع خود نداشته و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید (Amid Zanjani, 2009).

مصونیت، یعنی مستثنی بودن از تکلیف، مسئولیت و هرگونه معافیتی که براساس قانون، شرایط خاص یا مصلحت عمومی، به یک مقام رسمی اعطاء می‌شود. همچنین به معنای دارا بودن حق

دفاع اشخاص حرفه‌ای در برابر ادعای مسئولیت مدنی است (Garner, 2001).

مصونیت به معنای مستثنی بودن از قانون خاص است (Fellmeth et al., 2019).

وکلاء به دلیل تخصصی که دارند، پناه امنی برای موکل در مشکلات حقوقی محسوب می‌شوند پس باید اعمال آنها را با حسن نیت تعبیر نمود (Humbach, 2010).

چون وکلاء به اقتضای شغلشان اغلب دیگران را عصبانی می‌کنند و این عصبانیت ممکن است موجب اقدامات قانونی صرفاً تلافی جویانه شود، دارای مصونیت هستند (Matefi & Ionaş, 2010).

مصونیت دفاعی چیزی جز داشتن آزادی عمل و استقلال وکیل در دادرسی نیست و با توجه به نظریه‌های آزادی و عدالت راولز و کانت، یک الزام حقوقی است و آزادی عمل کنشگر از اصلی ترین مصادیق آن در فرایند دادرسی است. براساس آرای پوپر، برلین و سارتر، آزادی وکیل در فرایند دادرسی به مثابه مصونیت اوست و بخشی از آزادی در داشتن اراده و اختیار خلاصه شده که میتواند باعث آرامش خاطر وکیل در دفاع شود (Khodabakhshi Shalmazari et al., 2020).

مصونیت وکیل، برگرفته از اصل حمایتی برای محافظت از گزند هرگونه تخطئه، سوءظن و سوءقصد در مقام دفاع حرفه‌ای است تا وکیل بتواند با احساس امنیت به فعالیت بپردازد و شامل معافیت از مسئولیت مدنی و محافظت از هرگونه اقدام علیه او به سبب هتک حیثیت طرف دعوا در اثر دفاع از موکل در طول فرایند دادرسی است. مصونیت موجب معافیت از تمام یا بخشی از الزامات قانونی و تعقیب است و به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد که در اولین فرصت، دعوی علیه وکیل را رد کنند (Anenson, 2007). طبق بخش ۷۷۲ مقررات اخلاق حرفه‌ای امریکا، مصونیت از کسانی که به دیگران مشاوره و کمک می‌نمایند، محافظت می‌کند.

نموده اند. مطابق اسناد تاریخی، اولین قضاوت انگلیسی برای اعمال مصونیت، در سال ۱۴۹۷ صورت پذیرفت (Anenson, 2007).

مصونیت وکلا، در حقوق رم و حقوق قدیم فرانسه نیز شناخته شده و در حقوق رمی ژرمنی با فرمان بلوا در ۱۵۰۶ میلادی و قوانین بعدی (۱۵۳۷ و ۱۵۴۳ میلادی) به وجود مصونیت تاکید شده است. به موجب ماده ۵۴ فرمان اخیر «اگر وکیلی در لایحه دفاعی خود که مربوط به دعوی است، مبادرت به توهین، هتک حرمت یا افترای علنی علیه طرف دعوا یا شهود بنماید، از مجازات معاف است». این موضوع در ماده ۴۱ قانون آزادی مطبوعات ۱۸۸۱ میلادی نیز آمده و در ماده ۲۱ قانون ژوئیه ۱۹۵۰ ضمن بیان مصونیت پارلمانی، مفاد مصونیت وکیل نیز روشن شد (Bararpour, 2017).

از زمان تصویب قانون اساسی در امریکا، سناتورها و نمایندگان دارای مصونیت کامل نسبت به اظهارنظرهای خود در سنا یا مجلس هستند و کسی حق ندارد ایشان را در هیچ جایی مورد مواخذه قرار دهد. همچنین شهروندان یک ایالت از مصونیت و امتیازهای قانونی خود در دیگر ایالتها برخوردار هستند (Rexford & Carson, 1954).

در اصول ۳۰ و ۳۲ متمم قانون اساسی مشروطه ایران به منصب نمایندگی مجلس به دلیل مشابهت با منصب وکالت، مصونیت اعطاء شده و به همین اعتبار از ایشان بعنوان وکیل یاد شده و اظهارات توهین آمیز ایشان، خیرخواهانه و مشمول اصل حسن نیت فرض می‌شد.

اعم از اینکه آماتور یا حرفه‌ای باشند. زیرا وکیل، پزشک، مشاور سرمایه گذاری، ازدواج و دیگر متخصصین برای انجام بهتر وظایف خود به مصونیت نیاز دارند (Schiltz, 2008).

قاعده حمایتی «کمک و یاری رساندن به موکل» در بخش ۸۷۶ (الف) مقررات ناظر بروکلای امریکا آمده؛ مانند کسی که به دیگری برای نقض قرارداد و یا زیر پا گذاشتن آن در مقابل ثالث، مشاوره بدهد. البته سوءرفتار وکیل و مسئولیت ناشی از خیانت درامانت، طبق بخش ۸۷۶ (ب)، استناد به این امتیاز را دشوار کرده، زیرا معمولاً امین، وظایف مستقیمی را نسبت به طرف خود برعهده دارد (Schiltz, 2008).

براساس بند ۵ اصل ۱۱ قواعد دادرسی مدنی فراملی سال ۲۰۰۵ وکلای اصحاب دعوا از نظر حرفه‌ای باید به موکلین خود در انجام تکالیفی که در دادرسی برعهده دارند، یاری و کمک نمایند (Ghamami & Mohseni, 2017).

در نظام حقوقی ایران از لابه لای نصوص قانونی میتوان به تعریف مصونیت وکیل دست یافت. عباراتی مانند «برخوردار وکیل از احترام و تامینات شاغلین قضاء» که در ماده واحده قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا آمده. عبارت «هیچ وکیلی را نمیتوان از شغل وکالت، معلق یا ممنوع کرد، مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی» در ماده ۱۷ لایحه استقلال کانون و ماده ۲۰ همان لایحه: «هرکس نسبت به وکیل در حین انجام وظیفه وکالتی یا به سبب آن توهین نماید، به حبس تأدیبی... محکوم میگردد»؛ بنابراین مصونیت قضایی وکیل یعنی برخوردار وکیل از احترام و تامینات شاغلین قضاء به نحوی که نمیتوان او را به سبب اعمال خلاف یا جرائمی که در حین دفاع یا به سبب آن مرتکب شده، تعقیب یا او را معلق نمود، مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی وکلاء.

پیشینه مصونیت قضایی

پیشینه نظریه مصونیت قضایی به قرن ۱۱ میلادی در انگلستان باز می‌گردد. محاکم در آرای خود، قدمت آنرا به قدمت حقوق! معرفی

انواع مصونیت

مصونیت مطلق

مصونیت مطلق، یک معافیت کامل از مسئولیت است که شامل اشخاص حرفه‌ای می‌شود که در امور مهمی اشتغال دارند. مانند نماینده قانونی و قاضی در رسیدگی به دعاوی (Garner, 2001).

وکیل بریستر در انگلستان در تمام مراحل دادرسی، دارای مصونیت است و نمیتوان او را توقیف یا نسبت به آنچه در مقام دفاع گفته تعقیب نمود. موکل حق بازخواست او یا مطالبه خسارت را به جهت اهمال یا عدم مهارت ندارد و فقط میتواند حق الوکاله‌ای را که پرداخته، مسترد نماید. اگر دادگاه، رفتار بریستر را خلاف شأن بداند، جریان را به کانون متبوع او گزارش داده و در مقابل سرپیچی از دستورات، ممکن است به پرداخت غرامت یا زندان محکوم شود و در برابر بکار بردن الفاظ منافی شأن، توبیخ شود؛ اما وکلای سولیستیر که وظیفه مشاوره به موکلین را برعهده دارند از چنین مزایایی برخوردار نبوده و در مقابل موکل و دادگاه مسئول هستند (Bararpour, 2017).

اگر وکیل در مقام حرفه‌ای، مرتکب تخلف، جرم یا بزه در رابطه با اظهارات رسمی خود بشود، در مقابل طرف موکل یا اشخاص ثالث، مصونیت مطلق دارد (Schwartz et al., 2010).

دیوان اروپایی حقوق بشر در دعوایی علیه کشور فنلاند در سال ۲۰۰۲ مبنی بر محکومیت وکیل به سبب افتراء به دادستان، مجازات تعیینی را نامتناسب تشخیص داد و اعلام نمود که دادستان از حمایت بالاتری از متهم در برابر انتقاد برخوردار است. همچنین برابری سلاحها و ملاحظات مربوط به انصاف، مستلزم وجود تبادل نظر آزاد میان طرفین دعوی است. بنابراین، آیا نباید آزادی بیان وکیل در این مرحله نامحدود و از مصونیت مطلق در گفتار مقابل دادگاه برخوردار باشد؟ کمیته وزراء شورای اروپا در توصیه نامه شماره ۲۱ سال ۲۰۰۰ از دولتهای عضو خواسته، درخصوص

وکلائی که منطبق بر مقررات حرفه‌ای عمل می‌نمایند، تمام ابزارهای لازم برای اجرای آزادی بیان در حرفه وکالت را بکار ببندند تا در معرض مجازات یا تهدید به مجازات قرار نگیرند (Jalali, 2014).

مطابق ماده ۴۱ قانون آزادی مطبوعات فرانسه، نمیتوان از وکیل به دلیل نوشتار و گفتار ایراد شده در دادگاه، تحت عنوان افتراء و توهین شکایت نمود. این ماده، موضوع مباحثات و مناقشات فراوانی بوده است. اختلاف بر سر چگونگی تفسیر (موضوعی یا شخصی) عبارت فوق است که مصونیت مطلق وکلاء به همین نوع از تفسیر بستگی دارد. نهایتاً دیوانعالی فرانسه در سال ۲۰۰۱ در پرونده وکیلی که دادگاه تجدیدنظر شهر بوردو از اعطاء مصونیت به او خودداری کرده بود، به این مناقشه پایان داد؛ وکیل در جریان رسیدگی دادگاه به موضوع تجاوز جنسی نسبت به کودکان، قضات را متهم به دستکاری در روزشمار وقایع و سن قربانیان نموده بود. دیوانعالی، نظردادگاه تجدیدنظر را به دلیل نقض مفاد ماده ۴۱ قانون مذکور، ردّ و اعلام نمود: «اظهارات بیان شده وکیل، خارج از موضوع دعوا نبوده و در چهارچوب یک بحث قضایی ابراز شده و مشمول مصونیت مطلق است» (Jalali, 2014).

مطابق بخش ۲۶۷ اصلاح مقررات نمایندگی امریکا درخصوص ورود ضرر به ثالث توسط نماینده ظاهری، «اگر اصیل در مقابل ثالثی، وانمود کند که دیگری کارمند، مستخدم یا نماینده اوست و موجب شود که شخص ثالث، منطقاً به مهارت نماینده ظاهری اعتماد کند، مسئول خسارات وارده به ثالث است که به سبب فقدان مهارت یا مراقبت نماینده ظاهری ایجاد شده؛ گو اینکه خود اصیل این کار را انجام داده است» (Amini & Abdi, 2014). بنابراین نماینده ظاهری، مصونیت مطلق دارد و هیچ مسئولیتی متوجه او نیست.

در حقوق ایران، ماده ۵۴ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ مصداق مصونیت مطلق وکیل از تعقیب انتظامی است: «مرور زمان نسبت

به تعقیب انتظامی وکلاء ۲ سال از تاریخ وقوع امر مستوجب تعقیب است. در صورتیکه وکیل، تعقیب شده باشد، ۲ سال از تاریخ آخرین اقدام انتظامی است».

مصونیت نسبی

مصونیت نسبی یعنی معافیت از مسئولیت، تحت شرایط خاص؛ مانند مصونیت والدین صغیر در خساراتی که در اثر اهمال به زیان صغیر به بار می‌آورند یا برای تربیت، او را تنبیه می‌نمایند. زوجین در خسارات مالی ناشی از اهمال یا صدمات بدنی جزئی به یکدیگر مصونیت نسبی دارند (Garner, 2001).

مطابق بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، آزادی بیان وکلاء به رسمیت شناخته شده تا آزادانه درباره همه موضوعات دارای منفعت عمومی و یا مربوط به کارکرد دستگاه قضایی، اظهارنظر نمایند. دیوان اروپایی نیز آزادی بیان وکلا را مطلق و نامحدود نمی‌داند. طبق رویه قضایی دیوان، وکیل باید وفاداری خود نسبت به سوگندی که خورده و نیز رعایت اخلاق حرفه‌ای را ابراز نماید

محدودیت‌های وارد به آزادی بیان وکلاء چنانچه هدفشان برقراری توازن میان این حق و دیگر ارزش‌های مورد حمایت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر باشد، موجه قلمداد میشوند. دیوان برای دولتهای عضو، نوعی حاشیه ارزیابی برای قضاوت را در مورد ضرورت محدودیت‌ها و مداخله در اعمال این حق، قائل است. «حاشیه ارزیابی» مفهومی حاکمیتی است که مقامات دولتی باتوجه به تنوع موقعیتها و مفاهیم ملی قادر باشند تا به ارزیابی اوضاع و احوالی بپردازند که محدودیت‌های احتمالی به حقوق مقرر در مواد ۸ تا ۱۱ کنوانسیون و ماده ۲ بند ۳ پروتکل الحاقی شماره ۴ را توجیه نماید. البته قاضی دیوان اروپایی نیز با استفاده از اصل «تناسب» میتواند دست به کنترل قضایی بزند (Jalali, 2014).

محدوده مصونیت وکیل و رفتار نظام‌های حقوقی مختلف

طیف نظریه‌های حقوقی که به مصونیت تعلق گرفته، شامل سهل انگاری، نقض رازداری، سوءاستفاده از فرآیند دادرسی، جریحه دار کردن عواطف، تجاوز به حریم خصوصی، حيله مدنی، شرکت در روابط منفعت طلبانه، تقلب در قوانین و طرح دعاوی واهی است. فرمول مصونیت مطلق که محدود به افترا بود، در بیشتر حوزه‌های قضایی که این قاعده را پذیرفته اند، به سایر ادعاها سرایت نموده است (Anenson, 2007).

چنانچه وکیل نسبت به موکل، مرتکب خیانت شود دارای مسئولیت ناشی از قصور حرفه‌ای و نقض امانت است و نیازی به اثبات ضررمادی در تخلف خیانت در امانت نیست (Baker, 2015). مطابق با قوانین کیفری، افشای سرّ موکل توسط وکیل، جرم است. چنانچه در اثر آن به موکل ضرری وارد شود، وکیل مسئولیت مدنی نیز دارد. البته گاهی، افشای سرّ توسط وکیل یک تکلیف قانونی است. مثلاً طبق مقررات تسویه حساب جمعی چنانچه در اثر سازش عده‌ای از موکلین با خوانده دعوی، حقوق سایر موکلین تضییع شود، وکیل مکلف است آنرا برای سایر موکلین خود افشاء نماید (Baker, 2015).

مطابق بند ۲ اصل ۲۵ اصول دادرسی مدنی فراملی سال ۲۰۰۵، «دادگاه در هنگام تصمیم‌گیری، سوءرفتار یا رفتار نامتعارف و ستیزه جویانه هریک از طرفین دعوی در جریان دادرسی را مورد توجه قرار داده و به مقداری از خسارات دادرسی باتوجه به میزان تاثیر در آن محکوم مینماید. بند ۱ اصل ۱۱ نیز توصیه نموده، وکلاء و طرفین دعوی باید در مواجهه با دادگاه و یکدیگر با حسن نیت رفتار نمایند.

دیوان اروپایی در مورد شکایت وکیل Schopfer علیه کشور سوئیس در سال ۱۹۹۸ اظهار نمود: «وکلا، در دستگاه قضایی بعنوان واسطه میان طرفین دعوا و دادگاه به شمار می‌آیند و این امر قواعد رفتاری حاکم بر وکلا را بطور کل توجیه می‌نماید». مشابه این نظر در توصیه نامه ۲۱ سال ۲۰۰۰ کمیته وزرای دولتهای عضو

وکلا و اصحاب دعوی رعایت کند. در صورت تخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم می‌شود.

وکلاء براساس سوگندی که یاد نموده اند باید از اعمال نظرسیاسی و خصوصی، کینه توزی و انتقامجویی خودداری نموده و قوانین و نظامات را محترم شمرده، جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و برخلاف اخلاق و شرافت قضاوت و وکالت اقدام و اظهاری ننمایند و گرنه مصونیت نخواهند داشت.

قانونگذار، محرومیت افرادملت از حقوق مقرر در قانون اساسی را جرم انگاری نموده و ماده ۵۹۷ ق. مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ عدم قبول شکایت یا رسیدگی، صدور حکم و هرگونه رفتار برخلاف صریح قانون را قابل مجازات دانسته و از این طریق حقوق شکات و بزه دیدگان را تضمین نموده است (Goldoust, Jouybari & Bagheri Nejad, 2013).

مطابق ماده ۱۵ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۲۴ ژوئن ۱۷۹۳) «جامعه، این حق را دارد که هرکدام از مأموران و مسئولانی که در خدمت همگانی هستند را بر مبنای مدیریتشان مورد بازخواست قرار دهد». در ماده ۳۱ نیز آمده «جرائم نمایندگان مردم و اعمال آنها، نباید بی کیفر بماند؛ هیچکس حق ندارد خود را از دیگر شهروندان مصون‌تر بشمارد». طبق اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی ایران نیز مردم از هر قوم و قبیله‌ای، از حقوق مساوی برخوردارند. برابر اصل ۲۲ نیز «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است؛ مگر در مواردی که قانون تجویز کند» (Habibzadeh & Asadi, 2008).

شناسایی تکالیف وکیل در مقابل اشخاص ثالث منجر به کاهش خسارات ناشی از دادرسی می‌شود. زیرا وکیل می‌تواند با به کارگیری رفتار و تلاشی محتاطانه از بسیاری از آسیبها نظیر اطلاع دادرسی جلوگیری نموده و افزایش مسئولیت وکلاء منجر به نمایندگی توأم با دقت و بکارگیری درجه بالاتری از احتیاط حرفه‌ای خواهد شد و وکیل، فقط در نقش یک مشاور یا راهنما

درخصوص آزادی انجام حرفه وکالت ذکر شده: «وکلاء باید به مقامات قضایی احترام گزارده، وظایف خود را مطابق قوانین و مقررات ملی و آیین نامه‌های حرفه‌ای انجام دهند» (Jalali, 2014).

استناد به مصونیت در محدوده «مرتبط» بودن با دعوی یا دادرسی به این معنا نیست که رفتاری که باستناد مصونیت مطلق محافظت میشود باید در محدوده سالن دادگاه رخ دهد. درواقع، مصونیت برای اظهارات یا اقدامات انجام شده از ابتدای مراحل مقدماتی تا پایان دادرسی بعنوان اقدامات قضایی برای استفاده از امتیاز مصونیت گسترش یافته و محدود به جلسات دادگاه نیست (Anenson, 2007).

واقعیت مهمی که در قوانین اخلاق حرفه‌ای هرگز درک نشده این است که وکلاء همیشه در اقدامات خود توسط موکلان، همکاران و دادگاه‌ها تحت نظارت قرار دارند (Hatamyar & Simmons M, 2004).

باید به این سه ناظر (همکاران، موکل، دادگاه) طرف مقابل موکل را نیز افزود! وکلاء همیشه از جوانب مختلف تحت خودکنترلی یا خودانتظامی قرار دارند و اجرای مطلق مصونیت نیز موجب نمیشود تا وکیل به طور آزادانه یا بی ضابطه و به هر شیوه‌ای که بخواهد، وکالت نماید (Schiltz, 2008).

عدالت حکم می‌کند، میان مصونیت و مسئولیت اشخاص، تناسب و تعادل برقرار شود و اساساً جامعه بدون تعادل، دارای عدالت نیست. تصور بشر از تعادل، به صورت فرشته عدالت که یک ترازو در دست دارد مجسم شده تا این معنی را تداعی کند که همیشه باید میان عقاید متضاد، تعادل برقرار شود (Novak, 2016).

در حقوق ایران برابر ماده ۱۳۲ آیین نامه لایحه استقلال مصوب ۱۴۰۰، وکیل باید در مذاکرات شفاهی و لوایح کتبی در مراجع قضایی، احترام و نزاکت را نسبت به قضات، مقامات اداری، دیگر

ظاهر نمیشود بلکه وظایف جدی تری دارد و این در نهایت به سودجریان رسیدگی عادلانه خواهد بود (Karimi Larimi & Safaei, 2018).

در قاعده ۵۸۶ اصلاحیه دوم قانون مسئولیت مدنی ۱۹۷۹ آمریکا تصریح شده که مصونیت قضایی براساس سیاست عمومی تضمین حداکثر آزادی برای وکلا به عنوان نگاهبانان دادگاه تاسیس شده تا عدالت را برای موکلین خود تضمین نمایند. سیاست عمومی اصل مصونیت، توسط دادگاه ایالات اوهایو این گونه تبیین شد: «اساسی ترین هدف نظام قضایی ما امکان اصحاب دعوی در بحث آزادانه و کامل در مورد جنبه‌های مختلف یک پرونده در جهت کمک به دادگاه در تشخیص حقیقت است تا تصمیمی که می‌گیرد، هم منصفانه و هم عادلانه باشد. اگرچه قائل شدن یک مصونیت مطلق در رسیدگی قضایی ممکن است مانع از جبران خسارتی شود که به شهرت افراد آسیب رسانده، اما حذف آن، وکلاء را از پیشبرد منافع موکلان خود در نقض احتمالی قانون مسئولیت حرفه‌ای، منصرف و دادگاه را با انبوهی از دعاوی مختلف مواجه مینماید. البته محافظت کافی از سوءاستفاده احتمالی از امتیاز مصونیت در نظر گرفته شده تا مقام قضایی بتواند وکیل را در صورتی که فراتر از حد قانونی رفتار نماید، متوقف سازد (Anenson, 2007).

مطابق ماده ۲۸ قانون ژوئیه ۱۸۸۱ فرانسه، اصحاب دعوا و وکلای آنان نسبت به هرگونه مداخله، سخنرانی و لوایح در طول رسیدگی از مصونیت برخوردارند. اما این مصونیت، شامل تحریک و تشویق به ارتکاب جرم نمی‌شود. اصحاب دعوا یا وکلای آنان نباید از موضوع دعوی خارج شده و مصونیت را وسیله توهین به یکدیگر قرار دهند. در غیر این صورت، دادگاهی که به اصل دعوا رسیدگی میکند نسبت به دعوی خسارت طرف مقابل رسیدگی خواهد کرد و وکیل خاطی نیز ممکن است برای بار اول تا ۳ ماه و در صورت تکرار تا ۹ ماه از شغل وکالت معلق شود. ماده ۷۶ قانون وکالت لبنان نیز مقرر نموده، تعقیب وکیل در جرایم غیر مشهود که به سبب

انجام وظیفه وکالت صورت گرفته منوط به صدور قراری از کانون وکلا است که باید ظرف مدت یکماه از تاریخ درخواست، صادر شود (Divsalari & Najafi Tavana, 2021).

طبق بخش ۴۷ قانون مدنی کالیفرنیا، وکلاء، نگاهبانان نظام حقوقی هستند؛ با این بیان که به طرفین دعوا «حداکثر آزادی» در دسترسی به دادگاه‌ها برای تامین حقوق خود و دفاع بدون ترس از آزار و اقدامات تلافی جویانه در دعاوی داده می‌شود. این مصونیت، بخش جدایی ناپذیر از سیاست عمومی است که به همه طرفها برای تضمین دسترسی به دستگاه عدالت با هر شکایتی، درست یا نادرست، واقعی یا ساختگی، تعلق می‌گیرد (Lerman & Schrag, 2018).

بند ۱ ماده ۵۲ قواعد دادرسی اروپا، مقرر نموده که نمایندگان، مشاوران و وکلای حاضر در مرجع قضایی، در مورد سخنان گفته یا نوشته شده از مصونیت برخوردارند.

در حقوق ایران، مصونیت وکیل برخلاف حقوق کشورهایی مانند فرانسه، آمریکا، انگلیس، کانادا، آلمان و بلژیک در مقام دفاع از موکل قانونمند نیست. در این کشورها وکلاء، شهود و اصحاب دعوی در اظهارات و مطالب، هرچند تند، نقادانه و بعضاً با خشونت کلامی در صورت رعایت موازین از مصونیت برخوردارند. امری که در نظام حقوقی ما به غیر از نمایندگان مجلس مقرر نشده، ولی رویه قضایی عملاً تکلیف را مشخص نموده و در صورت درج مطالب از زبان موکل، مسئولیت کیفری را متوجه وکیل ندانسته، مگر آنکه الفاظ و عبارات وکیل حاکی از قصد و نیت شخصی وی باشد (Bari, 2017).

طبق اصل ۱۷۱ قانون اساسی ایران، قضات و وکلاء ملزم به حفظ حیثیت خصوصی افراد و طرفین دعوی بوده و به اشخاص مدعی هتک حیثیت یا ورود زیان، حق مطالبه خسارت داده شده است. براساس اصل متری ۴۰ که برگرفته از قاعده لاضرر و نفی هرگونه حکم ضرری است، هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را

وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. بنابراین در حقوق ایران، مصونیت به صورت مطلق نبوده و منصرف از تعرض به حقوق اشخاص، در اثر تقصیر و سوءنیت و نفع شخصی است.

مصونیت قضایی وکیل از تعقیب به سبب دفاع از حقوق موکل؛ شامل تعقیب کیفری و حقوقی است. چنانچه این تعقیب، موجب محدودیت وکیل در انجام وظایف وکالتی در احقاق حق موکل شود، باید تا مختومه شدن پرونده موکل یا اتمام تکالیف قانونی وکیل، از تعقیب انتظامی خودداری شود. درجرائم علیه طرف مقابل موکل نظیر افتراء، نشر اکاذیب و توهین، اولاً به دلیل نمایندگی وکیل از جانب موکل و ثانیاً به لحاظ مفروض بودن حسن نیت در مقام دفاع، مسئولیت کیفری ندارد. در رابطه با تخلفات وکیل نسبت به دستگاه قضاء از جمله اخلال در نظم دادگاه و عدم رعایت احترامات نیز همین گونه است. در رابطه با کانون نیز عدم رعایت شئون حرفه ای، ارتکاب جرم و عدم رعایت نظامات، تخلف انتظامی محسوب می‌شوند، اما مطالبه خسارت ناشی از این تخلفات، منوط به احراز ورود زیان است.

مصونیت وکیل در اسناد بین الملل

مصونیت وکیل بر پایه دو اصل بنا شده است:

۱. دادرسی عادلانه

هشتمین کنفرانس سازمان ملل متحد در سپتامبر ۱۹۹۰ برای پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین در هاوانای کوبا، از وکیل مدافع به عنوان عامل اساسی در نظام قضایی یاد نمود و از ضرورت بهرمندی وکلاء از مصونیت حقوقی و کیفری در برابر هرگونه گفتار شفاهی و کتبی در دادگاه‌ها و مراجع اداری در مقام دفاع از موکل، یاد نموده و برای تضمین وظیفه دفاع با استقلال کامل، اصول اساسی نقش وکلاء را برای مساعدت دولتهای عضو بیان نمود. در بخش اول «حق دسترسی به وکیل و خدمات حقوقی» به عنوان حق دادرسی عادلانه برای همه و حق داشتن وکیل در تمام مراحل رسیدگی،

تضمین دولتها به تدارک روشها و ساختارهای کافی برای دسترسی مؤثر و مساوی همگان و بدون تبعیض به وکیل، تضمین دولتها در اختصاص منابع کافی برای ارائه خدمات حقوقی به افراد ناتوان، آگاه سازی عمومی درباره حقوق و تکالیف دولتها و کانونهای وکلاء و ترویج اهمیت نقش وکیل در حمایت از آزادیهای اساسی، اصولی را مقرر داشته است (Jalali, 2014).

بخش دوم این سند، تضمینات خاصی در مسائل عدالت کیفری پیش بینی نموده، مانند تضمین آگاه سازی فوری بازداشت شدگان یا متهمان به حق استفاده از وکیل انتخابی و تعیینی و در صورت عدم توانایی تأمین معاضدت حقوقی مؤثر با استفاده از وکیل باتجربه متناسب با جرم انتسابی، بطور رایگان (ماده ۶)، تضمین دسترسی فوری بازداشت شدگان به وکیل در کمتر از ۴۸ ساعت (ماده ۷) تضمین فرصت کافی برای بازداشت شدگان جهت ملاقات و مشورت با وکیل بطور محرمانه و بدون تاخیر (ماده ۸). بخش پنجم نیز تضامینی برای فعالیت وکلاء جهت ایفای وظایف حرفه‌ای بدون تهدید و مداخله نادرست و امکان فعالیت و ارائه مشاوره آزادانه در داخل یا خارج از کشور، در نظر گرفته است (ماده ۱۶)، حفاظت کافی از وکلاء در مقابل تهدید به جهت انجام وظایفشان (ماده ۱۷)، تفکیک وکلاء از موکلین و اهداف آنان (ماده ۱۸)، عدم ممانعت از حضور وکیل در جلسه رسیدگی به استثنای وکلای فاقد صلاحیت قانونی (ماده ۱۹)، برخورداری وکیل از «مصونیت مدنی و کیفری» برای بیان مطالب حین وظایف حرفه‌ای (ماده ۲۰)، دسترسی کافی و مؤثر وکیل به پرونده در اولین فرصت (ماده ۲۱) و مراعات محرمانه بودن ارتباطات و مشورت‌های موکل با وکیل در محدوده حرفه‌ای، از جمله اصولی هستند که دولتها ملزم به تضمین آنها جهت انجام صحیح فعالیتهای حرفه‌ای وکلاء هستند (Divsalari & Najafi Tavana, 2021).

مطابق ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، هر شخصی که به بزهکاری متهم شده، بیگناه است تا اینکه در جریان محاکمه

مداخله وکیل برای دفاع از حقوق اصحاب دعوا نه تنها در راستای دفاع از حقوق فردی اصحاب دعوا تلقی میشود، بلکه گامی در راستای دفاع از منافع جامعه از طریق فرایند دادرسی مبتنی بر نظم و انضباط است (Rostami Ghazani, 2013).

سازمان عفو بین الملل در راستای موثر بودن حق برخورداری از وکیل، اعم از انتخابی یا معاضدتی بیان نموده که فرد، حق دارد وکیل با صلاحیت داشته باشد و تمامی دولتها باید تضمین نمایند که وکیل تسخیری، لایحه دفاعی مؤثری را جهت دفاع از متهم تقدیم بنماید و درواقع هدف از تعیین وکیل، نه صرف حضور و مداخله وی در فرایند دادرسی است، بلکه دفاع کارآمد از حقوق متهم در راستای تحقق عدالت است (Rostami Ghazani, 2013).

دیوان کیفری بین الملل لاهه، نخستین مرجع دائمی بین المللی برای رسیدگی به جرایم نسل کشی، جنایات علیه بشریت، جنایت جنگی و تجاوز، در قسمت (d) از بند ۸ ماده ۹۷ اساسنامه دیوان، حقوق متهم را بیان و مقرر کرده که متهم به منظور انجام امور دفاعی، شخصاً و یا از طریق مشاور حقوقی انتخابی خود در محاکمه حضور یافته و باید مطلع شود که اگر مشاور حقوقی ندارد، حق دارد از مساعدت مشاور حقوقی که دادگاه در راستای اجرای عدالت فراهم میکند بهره مند شود، حتی اگر توان مالی برای پرداخت هزینه‌های مربوطه را نداشته باشد (Divsalari & Najafi Tavana, 2021).

ماده ۵۷ منشور حقوق شهروندی ایران به نقش وکلاء در دستیابی به حق دادرسی عادلانه تاکید نموده است. بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی نیز، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی را وظیفه دولت دانسته و بند ۱۴ آن، تامین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه را از وظایف دولت می‌داند. بر همین اساس، طبق ماده ۷ ق.آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در تمام

علنی که در آن تمام تضمینات لازم برای دفاع او تأمین شده، مجرم بودن وی محرز گردد. بنابر منطوق این اعلامیه و سایر قطعنامه‌ها و منشور ملل متحد، پایه اساسی ایجاد امنیت قضایی در هر کشوری، حق داشتن وکیل است (Solaymanian et al., 2013).

طبق ماده ۹۶ کنوانسیون ژنو، متهم باید قبل از محاکمه، تفهیم اتهام شود و به او فرصت کافی جهت توضیح رفتار خود و دفاع داده شود. متهم باید مجاز باشد تا گواهان خود را فراخوانده و در صورت لزوم، مترجمی در اختیارش قرار گیرد. مطابق ماده ۹۹ نیز «هیچ اسیر جنگی نباید بدون اینکه فرصت دفاع به او داده شود یا قبل از اینکه از مشاوره یک مشاور حقوقی با صلاحیت بهره جوید، محاکمه شود». طبق ماده ۱۰۵ نیز چنانچه متهم، مدافعی انتخاب نکند، دولت، یک مدافع برای او تعیین خواهد کرد که حداقل یک هفته قبل از شروع محاکمه فرصت مشورت با او را داشته باشد و چنانچه دولت حامی، وجود نداشت، دولت اسیرکننده باید برای متهم وکیل تعیین نماید.

بخش (ب) بند ۲ ماده ۸۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ ملل متحد، تأکید نموده که دادگاه‌ها باید فرصت و دسترسی کافی به متهم برای تهیه دفاعیه با مشورت وکیل انتخابی را بدهند. بخش (ج) بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۳ از حق برخورداری از محاکمه عادلانه برای افراد صحبت نموده که یکی از ارکان آن، دفاع از خود بوسیله دستیار حقوقی منتخب است و در صورتی که قادر به پرداخت هزینه آن نباشد، دادگاه به اقتضای مصالح اجرای عدالت، دستیار حقوقی رایگان در اختیار وی قرار دهد (Divsalari & Najafi Tavana, 2021).

معاهده ۱۹۶۱ وین نیز هدف از مصونیت‌های اعطایی را تضمین حسن انجام وظیفه نمایندگی دانسته که بر مبنای الزامات ناشی از حسن انجام وظیفه نمایندگی است (Chapari & Shayegan, 2017).

دادرسی منصفانه است. بیان این معیارهای کلی و نامشخص، ناقض حقوق شهروندی و حقوق اساسی است و اصولاً قراردادهای منعقد و وکالتنامه‌های تنظیمی، با نوعی اجبار غیرمستقیم و سلب آزادی اراده در انتخاب وکیل توسط موکل همراه است (Divsalari & Najafi Tavana, 2021).

۲. تفکیک قوا

اصل تفکیک قوا در ارتباط بامصونیت وکیل از چند جنبه تاثیرگذار است. بحث استقلال وکیل در دفاع و عدم دخالت سایرین در نقش او را میتوان در همین راستا دانست. مصونیت دفاعی وکیل، تکمیل کننده فرایند تفکیک قوا در دستگاه قضایی است و ضمن دادن اختیارات قانونی بیشتر به وکلاء از تمرکز قدرت در دست قضات جلوگیری و از این طریق حقوق و آزادیهای مردم محافظت می‌شود. به نظر منتسکیو هدف تفکیک قوا جلوگیری از خودکامگی حاکمیت و به عنوان کنترل کننده قدرت آن مطرح است و میتواند از آزادیهای مردم حمایت کند (Khodabakhshi, Shalmazari et al., 2020).

طبق بند ۲ ماده ۴۲ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، طرفین میتوانند برای دفاع در دیوان از مشاور حقوقی و یا وکیل کمک بگیرند. طبق بند ۳ نیز نمایندگان، مشاورین و وکلای طرفین در محضر دیوان، دارای مصونیتهایی هستند که برای انجام آزادانه وظایفشان لازم است.

یکی از مهمترین اسناد بین المللی در مبارزه با فساد، کنوانسیون مریدا است که کشورمان نیز عضو آن است. از پیش شرطهای مقابله با فساد اداری، تقویت نهادهای مدنی است. ماده ۸ آن به ضوابط مربوط به رفتار مقامات دولتی پرداخته و کشورهای عضو را به رعایت اصول اساسی نظام حقوقی خود در جهت تقویت ورشد یکپارچگی، صداقت و مسئولیت در میان مقامات دولتی و اجرای استانداردهای رفتاری جهت اجرای درست، آبرومندانه و مناسب عملکردهای دولتی سوق داده است. در ماده ۱۱، به وضع مقرراتی

مراحل دادرسی، رعایت حقوق شهروندی از سوی مقامات قضائی، ضابطان و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی دخالت دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، مستوجب مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) ق. مجازات اسلامی خواهند بود.

بند (ب) ماده ۱۲ سند امنیت قضایی کشور نیز بیان نموده که در نظام اسلامی وظیفه وکلاء دفاع از موکل در جهت احقاق حق است و باتوجه به نقش مهمی که وکلاء در نظام قضایی و اجرای عدالت برعهده دارند، باید از تعقیب به سبب دفاع از حقوق موکل مصون بوده و بتوانند مستقل و فارغ از هرگونه فشارسیاسی داخلی و خارجی، تهدید و آزار و اذیت فعالیت نمایند. مطابق بند (پ) همان ماده، قوه قضاییه برای اشخاصی که قادر به پرداخت هزینه مشاوره و وکالت یا کارشناسی یا داوری نیستند، امکان بهره‌مندی از این خدمات را بطور رایگان یا ارزان‌تر فراهم نماید.

همگام با اصول حقوق بشری متهّم، ماده ۱۹۰ ق. آیین دادرسی کیفری مصوّب ۱۳۹۲ به متهّم اجازه داده در مرحله تحقیقات، یک وکیل همراه خود داشته باشد و بازپرس باید این حق را از ابتدا به متهّم ابلاغ و تفهیم نماید و اگر متهّم احضار شود، باید این حق، بر روی برگه ابلاغیه قید شود. تبصره‌های ماده فوق نیز دارای ارزش حقوق بشری پیشرفته‌ای هستند. مطابق تبصره ۱، سلب حق داشتن وکیل یا عدم تفهیم آن به متهّم، موجب مجازات انتظامی است. برابر تبصره ۳ در جرایمی که مجازات آن‌ها سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهّم وکیل معرفی ننماید، بازپرس باید برای وی وکیل تسخیری تعیین نماید. اما حق دفاع در این قانون هنوز هم با محدودیت‌هایی مواجه است. دو محدودیت عمده عبارتند از تبصره اصلاحی ماده ۴۸ که متهّم را محدود به انتخاب وکیل از فهرست وکلایی که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه هستند، می‌نماید. چنین مقرره‌ای، عجیب و برخلاف روح آزادی حق دفاع است. دیگری ماده ۱۹۱ است که حق متهّم یا وکیل او در دسترسی به پرونده را به تشخیص قاضی، محدود نموده که برخلاف آزادی حق دفاع و

و جلب اعتماد عمومی و کمک از وجدان جامعه، آزادی و حق دادخواهی مساوی و احراز حق توکیل که از مفاد اختصاصی میثاق حقوق سیاسی ومدنی هستند در نظر گرفته شود (Amid, 2009).

از نظر تالکوت پارسونز جامعه شناس غربی، کارکرد اولیه قوانین و نظام حقوقی ایجاد و حفظ همبستگی نظام اجتماعی است و برای انجام این کار باید عناصر بالقوه تعارض را تعدیل کرد. بر این مبنا، وکلا برای برقراری عدالت و مصونیت دفاعی ملزم به حل تعارض و مدارا با ساختارهای کلان قضاوت هستند. توجه به مصونیت وکیل در حقوق کیفری موجب توسعه نظام قضایی ومدرن شدن آن است. تمسک به این اصل و آثار آن، نحوه اعمال قدرت قضایی در دعاوی کیفری ومدنی علیه متولیان نهاددفاع را تابع احکام خاص و مستلزم اعمال تشریفات خاص در مراجع قضایی می‌نماید (Khodabakhshi Shalmazari et al., 2020).

وکیل مدافع با نظارت مستمر ودقیق خود بر کیفیت دادرسی، نقش محافظی امین و مجرب را ایفاء نموده و با بهره گیری اذانش حقوقی خویش از انحراف دعوا در جریان دادرسی جلوگیری می‌نماید. قطعاً ثمره عملی و مستقیم چنین حضوری، پیشگیری از تضییع حقوق اصحاب دعوا و انحراف قضایی است. وکیل در کنار مقام قضا به مثابه ابزار کنترل و نظارت بر عملکرد دستگاه قضا بوده و بدون آنکه هزینه‌ای بر این دستگاه تحمیل شود، به پیشبرد اهداف آن و تحقق عدالت قضایی کمک می‌نماید. این رویکرد در اکثر کشورهایی که بر مبنای دموکراسی حرکت می‌کنند، کیفیت عملی یافته است. برخلاف صراحت اسناد معتبر بین المللی، بسیاری از کشورها، آشکارا یا پنهانی حقوق دفاعی متهم را به اشکال مختلف نقض و از حداقل تضمینات دادرسی عادلانه محروم می‌کنند. برای نمونه میتوان به اقدام کشور آمریکا در محروم کردن زندانیان گوانتانامو از برخورداری از خدمات وکالتی اشاره کرد (Divsalari & Najafi Tavana, 2021).

دراستای ممانعت از فرصت‌های فساد در بین اعضای قوه قضاییه تحت عنوان «تدابیر مربوط به قوه قضاییه وواحدهای دادستانی» پرداخته و مقرر نموده که چنین اقداماتی ممکن است شامل قواعدی درخصوص رفتار اعضای قوه شود و اقداماتی در همین راستا در واحد دادستانی آن دسته از کشورهای عضو که در آنجا بخشی از قوه قضائیه را تشکیل نمی‌دهد، اما از استقلال شبیه قوه قضائیه برخوردار است [مانند کانون وکلای دادگستری] معرفی و به اجراء درآید (Nazari Nejad & Esfandiari Far, 2016).

تاکید به حضور وکیل و نهاد وکالت در نظام دادرسی کیفری به دو مؤلفه اخلاقی و مذهبی یعنی اصل کرامت انسانی و اصل عزتمندی اشاره دارد. تلاش در احقاق حق بدون دغدغه و استقلال عقیده نهاد دفاع، نتیجه استقرار اصل مصونیت دفاعی است. این کنشگران عرصه عدالت با فهم و درک خود از نصوص کیفری به دنبال تحقق عدالت هستند و استنباط متفاوت آنان از نصوص، مسئولیت کیفری ایجاد نموده و این امر به عنوان شاخص ترین ثمره اصل مصونیت و تضمین استقلال وکیل و نهاد وکالت در عرصه حقوقی وقضایی است (Khodabakhshi Shalmazari et al., 2020).

طبق بندهای ۹۳ ماده واحده قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳، محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان ومشتکی عنهم را رعایت وفرصت استفاده از وکیل را برای آنان فراهم نمایند. مطابق بند ۱۵ نیز رئیس قوه قضائیه موظف است هیأتی را به منظور نظارت بر حسن اجرای موارد فوق تعیین نماید و کلیه دستگاه‌های مربوطه موظفند با این هیأت همکاری لازم را معمول داشته وهیات نیز در صورت مشاهده تخلف، علاوه بر تلاش در اصلاح روشها و انطباق آنها با مقررات، با متخلفان از طریق مراجع صالح برخورد جدی نماید. اهمیت مسئله قضاوت و شرایط خاص آن ایجاب می‌کند که برای کنترل دستگاه قضایی و خودداری از هرنوع احتمال غرض ورزی

از ثمرات اعمال مصونیت دفاعی وکیل و استقلال نهاد دفاع در دستگاه قضایی، تضمین افزایش اقتدار قضایی کشور است، در ارزیابی‌های داخلی و مقبولیت و اقتدار ملی، سطح گسترده‌ای از اعتماد به نظام قضایی پدید آمده و در تحقق امنیت حقوقی، شهروندی و آزادی بیان واجد اثر اساسی خواهد بود (Khodabakhshi Shalmazari et al., 2020).

پذیرش یک نهاد وکالت مستقل و حفظ امنیت دفاع، موجب تحرک مثبت تقنینی-قضایی در نهادینه کردن عدالت قضایی می‌شود. در مقابل، تضعیف امنیت وکیل در دفاع و بعد از آن، زمینه‌تقلیل اثربخشی حضور وکیل در فرایند دفاع را ایجاد می‌نماید (Divsalari & Najafi Tavana, 2021).

طبق نظریات قانونمداری پارسونز، نظارت پذیری دورکیم، جامعه مدنی هابرماس، حقوق مدنی مارشال، اعتماد نهادی بورديو، عدالت ورزی کانت و روالز، آزادی عمل کنشگر پوپر، آیزیا برلین و ژان پل سارتر، در دو حوزه جامعه شناسی و حقوق و با مکانیزم‌های اجتماعی و نظری به مصونیت دفاعی وکلا منجر شده اند که منتهی به احقاق حق همراه با افزایش نظارت پذیری و تضمین اقتدار قضایی می‌شود (Khodabakhshi Shalmazari et al., 2020).

کارکرد مصونیت در نظام قضایی

شان و احترام وکیل

بر اساس بندهای ۱-۳، ۴-۱ و ۴-۴-۱ اصل ۳ منشور اخلاق قضایی فدرال امریکا، ویرایش ۲۰۱۴، برنحوه رفتار و برخورد با وکلای متداعیین، توسط قضات که باید محترمانه، با رعایت شان و شئون وکلاء و با حفظ استقلال و بیطرفی قاضی صورت بپذیرد، تاکید شده است (Shakouri Fard, 2020).

بر اساس ماده ۶ آیین نامه لایحه استقلال کانون وکلا مصوب ۱۴۰۰، وکیل در مقام دفاع از احترامات و تأمینات شغل قضاء برخورداری است. کلیه مقامات قضایی، کارکنان اداری و ضابطان، در برخورد

با وکلا موظفند ضمن حفظ کرامت آنان، بر مبنای اصول و موازین اخلاقی، شرعی، قانونی و حقوق شهروندی رفتار کنند. برابر ماده ۲۰ لایحه استقلال کانون مصوب ۱۳۳۳ هرکس به وکیل در مقام دفاع یا به سبب آن توهین نماید به حبس از ۱۵ روز تا ۳ ماه محکوم می‌گردد. چنانچه این جرم در محاکم یا مراجع شبه قضایی، اداری و یا اختصاصی در حضور دادرس یا رییس جلسه یا اعضای شورا یا کمیسیونها رخ دهد، موظفند به درخواست وکیل، موضوع را در صورتجلسه قید نمایند.

رعایت احترام و شأن وکیل نه تنها بر قاضی، اصحاب محاکم و اطراف دعاوی و ضابطین الزامی است، بلکه بر وکلای طرفین نیز فرض است. در اشاره به وکیل طرف یا سخنان او باید از کاربرد هرکلمه یا تعبیری که کوچکترین اثری از تمسخر و یا طعنه در آن باشد به شدت احتراز شود، حتی اگر ادعای کاملاً بی دلیل یا یاهوای مطرح کرده باشد.

استقلال وکیل

منظور از استقلال، فراهم بودن شرایط لازم برای انجام فعالیت حرفه‌ای وکیل در طرح دعوا و دفاع از حقوق موکل است. استقلال در این مورد، با عدم مداخله دولت و سایر مراجع حاصل می‌شود. البته به منظور تضمین این استقلال، حسب مورد، اقدامات ایجابی دولت ضروری است؛ برای مثال، میتوان به تکلیف دولت در برخورد با عوامل تحدید آزادی عمل وکلاء در انجام وظایف حرفه‌ای اشاره کرد.

توصیه نامه شورای اروپا در مورد مفهوم نهایی از استقلال وکیل به ساده ترین وجه بیان شده: «آزادی انجام حرفه، بدون هرگونه مداخله نامناسب». استفاده از عبارت «دخال نامناسب» در این توصیه نامه، سرآغاز نظریه پردازیها درخصوص تعیین مرز میان دخالت نامناسب با دخالت مناسب شده است (Goldoust, 2013).

(Jouybari & Bagheri Nejad, 2013).

بر اساس اصل ۴ اصول دادرسی مدنی فراملی ۲۰۰۵ استقلال حرفه‌ای وکیل باید محترم شمرده شود و مسئولیت حرفه‌ای وکیل نسبت به حفظ اسرار موکل در موقع دفاع آزادانه از موکل رعایت شود.

مطابق بند ۷ مصوبه ۱۹۶۲ کنگره ریودوژانیرو، سازمانهای وکالتی باید آزاد و مستقل از هرگونه دخالت یا نظارت قوه مجریه برکنار باشند.

در قسمت‌های مختلف قانون نمونه مسئولیت حرفه‌ای کانون وکلای امریکا به حفظ استقلال حرفه‌ای وکیل در دادرسی تصریح شده است.

مطابق ماده ۷ آیین نامه لایحه استقلال کانون مصوب ۱۴۰۰، وکیل در مقام دفاع، استقلال دارد و باید بتواند به صورت حرفه‌ای و آزادانه از موکل خود دفاع کند و هیچ مرجعی نمی‌تواند این استقلال را نقض نماید. بدین معنا که نمیتوان وکیل را مجبور کرد که چگونه از موکلش دفاع کند یا دست از دفاع او بردارد. هر مرجع، شخص یا مقامی که وکیل را از دفاع از موکل منع نماید، متخلف از اصل ۳۴ قانون اساسی و مرتکب تحدید حق آزادیهای مشروع افراد شده است.

مطابق بند ۳ ماده ۱ قانون خدمات حقوقی انگلستان مصوب ۲۰۰۷، اشخاصی که در دادگاه حضور می‌یابند تکلیف دارند که در مقابل دادگاه، با استقلال عمل نمایند (Habibi, 2017).

در استقلال وکیل از دولت، دیوان دادگستری بین المللی در رأی ۳۱ مارس ۲۰۰۴ که بین مکزیکی و امریکا مطرح شده بود در تفسیر ماده ۳۶ کنوانسیون وین اعلام نمود که مأمور کنسولی، حق ارتباط با متهم و فراهم کردن معاضدت حقوقی برای وی را دارد، اما این دلیل نمی‌شود که خود مأمور کنسولی به عنوان وکیل مداخله نماید (Rostami Ghazani, 2013).

توصیه نامه شورای اروپا بر منع هرگونه تبعیض در دسترسی به حرفه وکالت و تعالیم حقوقی تاکید دارد و تصمیم گیری در مورد

مجوز وکالت را شایسته یک نهاد مستقل دانسته تا وکلاء بتوانند از آزادی بیان، برخوردار باشند. برابر اصل ۵ این توصیه نامه، کانون وکلا باید در زمان دستگیری یا بازداشت وکیل یا شروع به دادرسی با موضوع تردید در سلامت وکیل یا هرگونه تفتیش اموال و توقیف اسناد و اشیاء تحت اختیار او، تمامی اقدامات لازم را انجام بدهد (Jalali, 2014).

دسترسی به پرونده

برابر بند ۳ اصل ۱۶ اصول دادرسی مدنی فراملی ۲۰۰۵، وکلای طرفین، به منظور تسهیل دسترسی به اطلاعات، می‌توانند با هریک از گواهانی که احتمال ادای گواهی آنان در دادگاه وجود دارد، گفتگو و مذاکره نمایند. همچنین برابر بند ۲ اصل ۲۰، پرونده ها و سوابق دادگاه باید برای عموم علنی باشد یا دستکم طبق قانون مقرر دادگاه، اشخاصی که دارای نفع مشروع بوده یا به مناسبت مسئولیت خود در این زمینه دست به تحقیقاتی می‌زنند به آن دسترسی داشته باشند.

در حقوق ایران، طبق ماده ۲۶ سند امنیت قضائی مصوب ۱۳۹۹، متهم باید از شرایط مناسب جهت تهیه و ارائه دفاع و فرصت کافی و معقول برخوردار باشد و بتواند از مشاوره و ارتباط با وکیل و مطالعه پرونده بهره‌مند شده و به شهود، مطلعین، و کارشناسان پرونده دسترسی و از وضعیت روحی و جسمی مناسب برای ارائه دلایل و دفاع برخوردار باشد.

مطابق ماده ۸ آیین نامه لایحه استقلال کانون مصوب ۱۴۰۰، وکیل حق دارد با رعایت مقررات، به اسناد و مدارکی که برای دفاع از موکل لازم است، دسترسی داشته باشد. طبق بند ۳ ماده ۵ سند امنیت قضائی، در فرایند دادرسی، دادستان، طرفین دعوا یا وکلا، می‌توانند تحت نظارت مراجع قضائی محتوای ضبط شده جلسات دادگاه را به عنوان مدرک، مورد ملاحظه و استناد قرار دهند. طبق بند ۳ ماده ۱۶ ق. نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ خودداری از پذیرش مستندات و لوایح طرفین و وکلای آنان جهت ثبت و ضبط فوری

در پرونده، منتهی به یکی از مجازاتهای انتظامی درجه ۶ تا ۱۰ می‌شود.

محرمانگی ارتباط وکیل و موکل

کیفیت مشاوره وکیل، تابع اطلاعاتی است که از موکل دریافت می‌کند و حریم خصوصی بین وکیل و موکل، وکلاء را به خودانتظامی ترغیب و توانایی آنان را برای انطباق اقدامات خود با قانون افزایش می‌دهد. دیوان عالی کشور آمریکا در پرونده شرکت آپجان علیه دولت فدارل در سال ۱۹۸۱ اعلام نمود که اگر وکلاء طبق قانون ملزم شوند تا مکالمات خود با موکل را بازگو نمایند، موجب تضعیف صریح حق محرمانگی می‌شود (Fisch & Rosen, 2003).

بر اساس بند ۲ اصل ۱۸ اصول دادرسی فراملی سال ۲۰۰۵، دادگاه در هنگام تصمیم باید توجه کند که آیا سرّی و محرمانه بودن دلایل، اطلاعات و یا وجود سایر مصونیت‌های قانونی می‌تواند عدم افشاء آنها را توجیه نماید.

در حقوق ایران، طبق ماده ۵ ق.آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود. بنابراین هرکس حق دارد به محض بازداشت، درخواست ملاقات با وکیل را بنماید و برابرماده ۹ آیین نامه لایحه استقلال قانون مصوب ۱۴۰۰، روابط کاری وکیل با موکل در محدوده ارتباط حرفه ای، محرمانه است.

مصونیت اظهارات و مکاتبات وکیل

چنانچه وکیل در مقام دفاع اظهاراتی را از جانب موکل بیان نماید یا اتهامی را به شخصی منتسب نماید و یا نظر علمی خود را در مورد قضیه اعلام نماید، نباید مورد تعقیب قرارگیرد و یا اینکه به دلیل دفاع از شخصی در معرض تخطئه شدن قرار گیرد (Novak, 2016).

مطابق با ماده ۲۱ قانون نمونه رفتار حرفه‌ای ۲۰۱۷ وکلای کانادا، نقش وکلا در آگاهی عمومی از حقوق و بهبود درک عمومی از مسائل حقوقی در جامعه بسیار مهم بوده و وکلا موظفند با اظهارنظرهای حقوقی یا تخصصی خود درمنظر عموم موجب آگاهی عمومی و جلب نظر و اعتماد نسبت به سایر وکلا و مراجع دادگستری شوند. وکلاء در ارتباط با عموم یا پاسخ به سوالات حقوقی باید نهایت ادب و احترام را رعایت نموده و نحوه تعامل و قضاوتها نباید طرفدارانه یا برای کسب منفعت شخصی باشد و موجب از بین رفتن اعتماد مردم به وکلا یا قانون یا دادگستری شود (Carsley, 2020).

وکلاء در واکنش نسبت به معضلات جامعه و محیط اجتماعی، مسئولند و در صورت عدم انجام آن، استیضاح می‌شوند (Sparks et al., 2021).

تامین مالی وکیل

وکیل باید با فراغ بال و بدون دغدغه مالی به دفاع بپردازد. وکیلی که در اثر فشار مالی وکالت پرونده‌ای را بپذیرد نمی‌تواند به خوبی به رسالت خود یعنی اجرای عدالت کمک کند و نمیتوان از او انتظار استقلال در دفاع داشت.

مطابق ماده ۱۷۳ قانون وکالت کشور ترکیه در حمایت مالی از وکلا، چنانچه در جریان دعوی، موکل با طرف دعوی سازش و دعوی را مسترد نماید، موکل و طرف دعوی، متضامنا مسئول پرداخت حق الوکاله طبق تعرفه رسمی خواهند بود. به موجب ماده ۱۷۴ همین قانون، حق الوکاله وکیل جزو دیون ممتاز! شناخته شده و وکیل حق دارد از محل وصول محکوم به، حق الوکاله خود را برداشت نماید (Bari, 2017).

همانگونه که نمیتوان از قضات ایراد گرفت که چرا فرد بیگناهی را محکوم یا شخص مجرمی را تبرئه کردید، پس حقوق دریافتی تان حرام است! چنین رفتاری را نمیتوان با وکلاء نمود.

وکالایی که قبلاً آمادگی خود را برای وکالت رایگان به دیوان اعلام نموده اند، انتخاب نماید. شبیه همین رویه در تشریفات تعیین وکیل معاضدتی در ماده ۷ به بعد دستورالعمل تعیین وکیل مدافع دادگاه یوگسلاوی سابق و ماده ۵ دستورالعمل تعیین وکیل مدافع دادگاه رواندا که به اتهامات عاملین جنایات جنگی و نسل کشی در این دو کشور رسیدگی می‌کنند، پیش بینی شده؛ متقاضی باید درخواستی به همراه فهرستی از دارایی‌های خود به دبیر دادگاه تقدیم کند. باراثبات اعسار برعهده متقاضی است (Rostami, 2013).

تذکر قانونی به دادرس

طبق تبصره ماده ۱۹۵ ق.آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، وکیل می‌تواند در صورت طرح سؤالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون به بازپرس تذکر دهد. تخلف از مقررات مواد (۱۹۳) تا (۱۹۵) این قانون موجب محکومیت انتظامی تا درجه ۴ است.

در ماده ۹۲ آیین نامه لایحه استقلال مصوب ۱۴۰۰، وکلاء در صورت مشاهده هرگونه تخلف از مقررات قانونی از ناحیه دادرسان، وکلاء و اعضای محاکم، مراتب را به ایشان در چهارچوب مقررات و اخلاق حرفه‌ای تذکر داده و در صورت لزوم، آنرا به مرجع صلاحیتدار قانونی گزارش دهند. در اجرای ق.نظارت بر رفتار قضات هر یک از وکلاء که در حوزه وظایف خود، نقض مقررات، عدم اجرای حقوق شهروندی و نظیر آنرا از سوی مقامات قضایی و اداری مشاهده نمایند، می‌توانند حسب مورد به رئیس حوزه قضایی و عنداللزوم به دادسرای انتظامی قضات منعکس و درخواست رسیدگی کنند.

طبق بند ۲ ماده ۱۰ قانون نمونه رفتار حرفه‌ای ۲۰۱۷ مجمع قانون های وکلای کانادا، وکیل باید بدون ترس، استدلال یا پرسشی را که فکر کند در پیشبرد پرونده موکل لازم است، بعمل آورد، اگرچه خوشایند نباشد. وکیل برای ادای این تکلیف باید با انصاف، احترام،

در قوانین فدرال امریکا در حمایت از حق دفاع توسط وکیل، چنانچه هرطرف، محکوم علیه واقع شود، دستمزد وکیل محکوم له، جزو هزینه دادرسی محسوب نمی‌شود؛ دیوان عالی این کشور در پرونده فلیشمن دیستیلینگ علیه مایربروینگ در سال ۱۹۶۷ مخالفت خود با پرداخت هزینه توسط محکوم علیه را این گونه بیان کرد: «زمان، هزینه و مشکلات اثبات حقانیت در دادخواهی و این سوال که چه چیزی حق الوکاله منطقی را تشکیل میدهد، بار قابل ملاحظه‌ای را بر نظام قضایی تحمیل می‌کند. اگر مجازات ناکامی در دعوی شامل پرداخت حق الوکاله طرف مقابل نیز بشود، افراد بی بضاعت ممکن است به طرز ناعادلانه‌ای از اقدام برای محقق کردن حقوق خود دلسرد شوند». بر پایه این قاعده امریکایی، هرطرف باید حق الوکاله مربوط به خود را بپردازد. اما براساس قاعده انگلیسی، محکوم علیه باید هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل محکوم له را بپردازد. این قاعده دارای اشکال است؛ زیرا وکلا باید از وکالت در پرونده‌ای که احتمال صدور حکم به نفع موکل کم است امتناع نمایند و موکلینی که قادر به جبران هزینه مضاعفی که از ناحیه طرف مقابل، به آنها تحمیل میشود، نباشند از حق داشتن وکیل محروم میشوند (Yamrali & Karimi, 2017).

بند ۱ اصل ۲۵ اصول دادرسی مدنی فراملی سال ۲۰۰۵، محکوم علیه را مسئول پرداخت تمام یا بخشی از خسارات متعارف دادرسی دانسته و در ادامه بیان داشته: «خسارات دادرسی» عبارتست از هزینه دادرسی، هزینه پرداختی به ماموران رسمی نظیر تندنویسان دادگاه، دستمزد کارشناسی و حق الوکاله وکیل. همچنین طبق بخش ۱۶(ب) قانون بورس اوراق بهادار مصوب ۱۹۳۴ فدرال امریکا حق الوکاله وکیل در دعاوی بورس، برعهده محکوم علیه است (Fox, 2009).

براساس رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، حق برخورداری متهم از وکیل انتخابی تنها در صورتی است که دارایی کافی برای پرداخت حق الوکاله داشته باشد. در غیر اینصورت فقط می‌تواند از معاضدت

قانونمندی توأم با درستکاری و حسن نیت در برابر دادگاه عمل نماید.

مطابق بندهای ۱ تا ۶ اصل ۳ منشور اخلاق قضایی امریکا ویرایش ۲۰۱۴، قاضی باید در نهایت بیطرفی، ادب و احترام و منصفانه به اظهارات و مدافعات طرفین و وکلای ایشان بطور مساوی، با صبر و حوصله گوش فرا دهد و اسناد و ادله کتبی و شفاهی ایشان را ثبت و ضبط نماید (Shakouri Fard, 2020).

بند ۶ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، به لزوم جبران خسارت از قربانیان اشتباهات قضایی اشاره کرده است. قضات دیوان کیفری بین المللی نیز طبق بند ۱ ماده ۸۵ اساسنامه دیوان و نیز رویه قضایی این دیوان، درخواست خسارت را می‌پذیرند (Tadayyon, 2022).

البته اصرار وکیل در عدم امضای صورتجلسه قبل از خواندن و درخواست انعکاس اقرار طرف در صورتجلسه و ارائه اصول اسناد مدارکی که تصویر آن‌ها ضمیمه دادخواست بوده، به هیچ وجه توهین نیست. بلکه از وظایف حرفه‌ای وکیل است. وکیل مجرب باید بدون توجه به چگونگی رفتار قاضی، الگوی رفتاری عالمانه توأم با حداکثر احترام و از موضع برابر را حفظ کند.

نتیجه‌گیری

قضات، وکلای و ضابطین دادگستری در برابر قانون با سایر شهروندان برابرند و تصمیمات یا رفتارهای ایشان، نمی‌تواند فراتر از قانون یا برخلاف آن باشد. مصونیت به شخصیت حقوقی یا جایگاه حرفه‌ای اشخاص تعلق می‌گیرد و در مواقعی که به سبب انجام by underscoring the critical role of legal counsel in ensuring justice and due process, as emphasized in the International Covenant on Civil and Political Rights and the Universal Declaration of Human Rights (Amid Zanjani, 2009). While some critics argue that granting immunity to lawyers may conflict with principles such as equality before the law, most international instruments—and the legal systems of many countries—affirm the

تکالیف حرفه‌ای، تخلف یا جرمی از ایشان سربرزند و موجب نارضایتی یا تضییع حقوق دیگران شود، چنانچه آن اعمال براساس حسن نیت یا خیرخواهی و برحسب وظیفه صورت گرفته و نفع شخصی در میان نباشد، مشمول مصونیت قضایی مبنی بر معافیت از مسئولیت مدنی و تعقیب کیفری هستند.

از نظر رعایت شاخص‌های مصونیت وکیل که در اسناد بین المللی آمده، نظام حقوقی ایران، صرف نظر از کاستیها و محدودیت‌هایی که نام برده شد، از وضعیت قابل قبولی برخوردار است. مثلاً در مواد ۳، ۵، ۱۳، ۸۶، ۱۵۴، ۱۹۵، ۱۹۰، ۳۴۶ ق.آیین دادرسی کیفری و وجود وکالت اتفاقی، انتخابی، معاضدتی و تسخیری در مقررات مختلف، مؤید نقش مهم وکیل در دادرسی عادلانه است. اما همین مقررات نیز بعضاً به درستی اجرا نمیشوند و اعتراض وکلاء و نهاد وکالت را در پی داشته که امید است، قانونگذار و مجریان قانون با در نظر گرفتن پژوهشهای صورت گرفته، نسبت به رفع معضلات، اقدام نمایند.

طبق اسناد بین المللی در راستای عملکرد بهتر وکلاء و نهاد وکالت، تعقیب انتظامی و صدور پروانه باید توسط نهاد وکالت مستقل صورت بگیرد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The right to legal representation is a fundamental pillar of a fair trial and a cornerstone of the international legal framework for the protection of human rights. The present study addresses the issue of judicial immunity for defense attorneys by exploring its conceptual foundations, historical evolution, and diverse manifestations across legal systems. It begins

necessity of such immunity to safeguard the independence and effectiveness of defense attorneys. The notion of immunity extends beyond mere procedural protections; it reflects a commitment to shielding legal professionals from retaliatory or coercive measures that might hinder their ability to defend clients effectively. Legal scholars and jurists have long discussed the philosophical and practical underpinnings of this concept. For example, Rawls and Kant interpret such immunity as a requisite of justice, and thinkers like Popper and Berlin view it as intrinsic to the actor's autonomy in the judicial process (Khodabakhshi Shalmazari et al., 2020). Thus, immunity is portrayed as both a legal and moral necessity, deeply entwined with democratic values, freedom of expression, and the proper functioning of the justice system. Historically, the principle of judicial immunity has evolved through centuries of legal thought and jurisprudence. Its roots can be traced back to the English legal system of the 11th century, Roman law, and early French legal codes, where legal protections for lawyers were articulated in statutes such as the 1881 French Press Freedom Act (Bararpour, 2017). In the American context, judicial immunity has been integral to the doctrine of separation of powers, enabling lawmakers and legal representatives to operate without fear of retribution (Rexford & Carson, 1954). Contemporary international jurisprudence, including decisions by the European Court of Human Rights, has reinforced the concept by defending lawyers who face penal or disciplinary actions for statements made during judicial proceedings (Jalali, 2014). These precedents reveal that immunity must be robust enough to allow for critical advocacy within the bounds of professional ethics, while also not enabling misconduct. In this respect, the distinction between absolute and relative immunity is crucial. Absolute immunity offers complete protection for professional acts

conducted during the judicial process, while relative immunity allows for exceptions in cases involving egregious violations, such as breach of confidentiality or personal gain. The challenge for legal systems is to strike a balance between upholding the integrity of legal representation and protecting the rights of opposing parties and the public.

Iranian law acknowledges the importance of attorney immunity, although the legal terminology may not mirror international conventions explicitly. Article 35 of the Iranian Constitution affirms the right to legal representation, and subsequent legislation such as the 1953 Law on the Independence of the Bar Association and the 1992 Judicial Protection Law have further enshrined protections for lawyers against unwarranted interference (Goldoust Jouybari & Bagheri Nejad, 2013). Nonetheless, ambiguities remain regarding the scope and enforceability of these protections. Iranian statutes often refer to concepts like "respect and protection equivalent to that afforded to judges," yet they lack a systematic framework for interpreting and applying immunity (Habibzadeh & Asadi, 2008). Moreover, inconsistencies in judicial practice and limitations on access to legal counsel—such as restricted lists of approved attorneys in high-profile cases—undermine the principle of equal protection under the law. Despite these challenges, Iran has ratified several international treaties that underscore the role of legal counsel, including the Geneva Conventions and the International Covenant on Civil and Political Rights. However, these commitments have not consistently translated into domestic legal reforms or procedural guarantees. Critics argue that a lack of institutional independence for the Iranian Bar Association and judicial interference in disciplinary processes weaken the enforcement of immunity principles, especially in politically sensitive or security-related cases (Divsalari & Najafi Tavana, 2021).

From a comparative legal perspective, international instruments offer comprehensive frameworks for protecting attorneys' independence and immunity. The 1990 Basic Principles on the Role of Lawyers, adopted in Havana, provide a globally recognized standard. These principles emphasize the lawyer's right to carry out professional duties without fear of retaliation, the right to access clients freely, and the protection of confidential communication (Jalali, 2014). Likewise, the European Convention on Human Rights and various UN guidelines advocate for safeguards that prevent arbitrary interference in the attorney-client relationship. These protections are not merely theoretical; they are operationalized through institutional mechanisms, such as independent bar associations, judicial oversight committees, and complaint procedures. For example, in France and Canada, professional immunity is embedded within statutes that prevent legal action against attorneys for their courtroom speech, provided it remains within ethical boundaries (Carsley, 2020). Similarly, the United States and the United Kingdom grant varying degrees of immunity to barristers and solicitors depending on their courtroom function and adherence to professional codes. The underlying rationale in these systems is that robust legal defense is essential to the adversarial model of justice, and without strong protections, the role of attorneys as guardians of justice would be severely compromised.

The conceptual and operational dimensions of immunity also relate to broader issues of legal ethics, accountability, and judicial reform. Immunity is not an unconditional license for misconduct; rather, it is contingent upon the attorney's adherence to professional responsibilities and ethical standards. This conditionality is reflected in judicial codes, such as the 2014 U.S. Judicial Ethics Charter

and the Transnational Civil Procedure Principles, which delineate the boundaries between protected conduct and disciplinary breaches (Shakouri Fard, 2020). Iranian law, too, attempts to codify these principles through regulations like Article 132 of the Bar Association's Independence Act and Article 28 of the 1881 French Law on Press Freedom, as applied through analogy (Bari, 2017). One emerging area of legal scholarship is the idea of "qualified immunity," where certain actions are protected only if they meet proportionality and good-faith criteria. This approach aligns with modern theories of procedural fairness and institutional legitimacy, which argue that public trust in the legal system depends on its capacity to balance protection with accountability (Novak, 2016). In this sense, immunity functions as a double-edged sword: it must empower defense attorneys to fulfill their roles effectively while ensuring that the justice system remains fair, transparent, and responsive to ethical breaches.

In conclusion, judicial immunity for defense attorneys is a multifaceted doctrine rooted in the principles of fairness, due process, and legal independence. It reflects a delicate equilibrium between the need to protect legal professionals from undue interference and the imperative to uphold ethical standards and public accountability. This study has demonstrated that while the concept enjoys broad support in international law and comparative legal systems, its application in Iran remains incomplete and inconsistently implemented. Although Iranian laws contain elements supportive of attorney immunity, gaps persist in terms of institutional safeguards, procedural consistency, and judicial transparency. To strengthen the rule of law and reinforce the legitimacy of the judiciary, Iran must align its domestic practices with internationally recognized standards, empower an independent bar association, and provide clear legal definitions

for the scope and limits of attorney immunity. Doing so would not only enhance the protection of legal professionals but also contribute to the realization of a more just and equitable legal system.

References

- Amid Zanjani, A. (2009). *Foundations of Human Rights in Islam and the Contemporary World*. Majd.
- Amini, M., & Abdi, M. (2014). Comparative Study of the Theory of Apparent Representation. *Majallah-i Huquqi-yi Dadgostari (Judiciary Law Journal)*, 78(87), 63-90.
- Anenson, T. L. (2007). Absolute Immunity from Civil Liability: Lessons for Litigation Lawyers. *PEPPERDINE university LAW REVIEW*, 31(4).
- Baker, A. L. (2015). Aggregate Settlements and Attorney Liability: The Evolving Landscape.
- Bararpour, E. (2017). Review of the Institution of Advocacy in the Legal System of England. *Dofaslname-ye Pazhoohname-ye Hoqooq-e Khosusi-ye Adalat (Private Law Research Journal of Justice)*, 4(8), 57-81.
- Bari, M. (2017). *Disciplinary Supervision of the Bar Association*. Ketab-e Ava.
- Carsley, S. (2020). *Surrogacy in Canada: Lawyers' Experiences, Practices and Perspectives* Faculty of Law, McGill University, Montreal].
- Chapari, M. A., & Shayegan Fard, M. (2017). Criminal Responsibility in International Crimes and Its Confrontation with the Discourse of Immunity. *Comparative Legal Research of Iran and International*, 10(37).
- Divsalari, N., & Najafi Tavana, A. (2021). Principles of Lawyer's Independence and the Process of the Right to Defense in the Light of Legislative Developments in Iran. *Faslname-ye Pazhoohsh-e Hoqooq-e Keyfari (Criminal Law Research Journal)*, 9(34), 133-163.
- Fellmeth, C. R., Gramme, F. B., & Hayes, C. C. (2019). Cartel Control of Attorney Licensure and the Public Interest. *Br. J. Am. Leg. Studies*, 8(2). <https://doi.org/10.2478/bjals-2019-0006>
- Fisch, E. J., & Rosen, M. K. (2003). Is There a Role for Lawyers in Preventing Future Enrons? *Villanova Law Review*, 48(4). <https://doi.org/10.2139/ssrn.367661>
- Fox, B. M. (2009). CIVIL LIABILITY AND MANDATORY DISCLOSURE. *Columbia Law Review*, 109(2).
- Garner, A. B. (2001). *Black's Law Dictionary*. West Group, ST. Paul, Minn.
- Ghamami, M., & Mohseni, H. (2017). *Comparative Study of the Principles of Transnational Civil Procedure*. Enteshar Company.
- Goldoust Jouybari, R., & Bagheri Nejad, Z. (2013). Criminal, Civil and Disciplinary Liability of Violators of the Fundamental Principles of Criminal Procedure. *Faslname-ye Pazhoohsh-e Hoqooq-e Keyfari (Criminal Law Research Journal)*, 2(5ER -).
- Habibi, M. (2017). *Professional Perspectives on the Institution of Advocacy*. Tarannom Ghalam Publications.
- Habibzadeh, M. J., & Asadi, F. (2008). Judicial Immunity of Judges and Lawyers in the Iranian Legal System. *Faslname-ye Hoqooq-e Daneshkadeh-ye Hoqooq va Olum-e Siyasi (Law Journal of the Faculty of Law and Political Science)*, 38(4), 159-179.
- Hatamyar, W. P., & Simmons M, K. (2004). Are Women More Ethical Lawyers? An Empirical Study. *Florida State University Law Review*, 31(4).
- Humbach, A. J. (2010). Director Liability for Corporate Crimes: Lawyers as Safe Haven? *Pace Law Faculty Publications*, 55.
- Jalali, M. (2014). Freedom of Expression of Lawyers in the Judicial Practice of the European Court of Human Rights. *Faslname-ye Ray (Studies of Judicial Opinions) Research Institute of the Judiciary*, 3(9), 111-128. <https://doi.org/10.22106/jcr.2017.25113>
- Karimi Larimi, A., & Safaei, S. H. (2018). Civil Liability of the Lawyer Before the Opposing Party and Their Legal and Ethical Right. *Journal of Ethical Research*, 8(3), 111-128.
- Khodabakhshi Shalmazari, A., Dehshiri, M., & Salehi, K. (2020). Sociological Analysis of the Lawyer's Defense Immunity in Iranian Law. *Faslname-ye Elmi Pazhoohshi Olum-e Ejtemai-ye Daneshgah-e Azad Eslami Vahid Shoushtar (Scientific Research Journal of Social Sciences, Islamic Azad University, Shushtar Branch)*, 14(4), 137-175.
- Lerman, G. L., & Schrag, G. P. (2018). *Ethical Problems in the Practice of Law Model Rules, State Variations, and Practice Questions*. Wolters Kluwer Law & Business.
- Matefi, R., & Ionaş, D. (2010). THE LAWYER CIVIL LIABILITY. *Bulletin of the Transilvania University of Braşov*, 3(52).
- Nazari Nejad, M., & Esfandiari Far, K. (2016). Comparative Study of the International Convention Against Financial Corruption and the Law on Promoting the Health of the Administrative System and Combating Corruption. *Pazhoohname-ye Hoqooq-e Keyfari-ye Anjoman-e Irani-ye Hoqooq-e Jazai-ye Daneshgah-e Gilan (Criminal Law Research Journal of the Iranian Association of Criminal Law, University of Guilan)*, 7(13), 191-215.
- Novak, M. (2016). *The Type Theory of Law*. Springer International Publishing AG.

- Rexford, A. F., & Carson, L. C. (1954). *The Constitution of Our Country*. American Book Company.
- Rostami Ghazani, O. (2013). The Right to Counsel in International Criminal Trials. *Majallah-i Huquqi-yi Dadgostari (Judiciary Law Journal)*(83).
<http://dx.doi.org/10.22106/jlj.2013.10819>
- Schiltz, J. E. (2008). Civil Liability for Aiding and Abetting: Should Lawyers Be "Privileged" to Assist Their Clients' Wrongdoing? 29 *Pace L. Rev.*, 75. <https://doi.org/10.58948/2331-3528.1049>
- Schwartz, E. V., Kelly, K., & Partlett F, D. (2010). *Prosser, Wade and Schwartz's Torts Cases and Materials*. Thomson Reuters/Foundation Press.
- Shakouri Fard, S. (2020). *The Judicial Ethics Charter of the United States of America*. Research Institute of the Judiciary, Press and Publications Center of the Judiciary.
- Solaymanian, A., Sedighian, A., & Sajedi, A. (2013). The Right to Have a Lawyer from the Perspective of Human Rights and Iranian Law. *Do Faslname-ye Mutale'at-e Hoqooq-e Eslami (Bi-Annual Journal of Islamic Human Rights Studies)*, 2(5).
- Sparks, T., Stucki, S., Futhazar, G., & Ackerman, B. (2021). World Lawyers' Pledge on Climate Action. *Environmental Policy and Law*, 51.
<https://doi.org/10.3233/EPL-219015>
- Tadayyon, A. (2022). The Rights of Persons in Detention from the Perspective of the Iranian Criminal Procedure Law and the Regulations of the International Criminal Court. *International Legal Research*, 15(55), 87-102.
http://alr.iauctb.ac.ir/article_689412.html
- Yamrali, S., & Karimi, A. (2017). Comparative Study of Rules for Compensation for Civil Procedure Damages in Iranian, English, and American Law. *Majallah-i Hoqooq-e Tatbighi (Comparative Law Journal)*, 13(3), 191-210.